

مطالعه تطبیقی مشارکت انتخابات ریاست جمهوری در استان سمنان با کل کشور (با تأکید بر انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری)

افشین متقی دستنایی

دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

زهرا انصاری

کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

آرش قربانی سپهر^۱

دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۷/۲۱ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۰

چکیده

انتخابات به عنوان یکی از مهم‌ترین اشکال مشارکت سیاسی شهروندان یک کشور در دموکراسی‌ها مطرح بوده است. در جریان این فرایند مهم، مردم از طریق رأی خود نماینده یا نمایندگانی را بر می‌گزینند، اما چگونگی انجام این فرایند و حتی چگونگی ورود به انتخابات در کشورها و دموکراسی‌های مختلف، متفاوت است. از این رو نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نیز که بر پایه مردم‌سالاری دینی استوار شده، از این قاعده مستثنا نیست. بر این مبنا، نظام انتخاباتی هر کشور تعیین‌کننده قانون بازی و رقابتی است که میان گروه‌های مختلف سیاسی در جریان است، چرا که قانون انتخابات تعیین‌کننده شیوه توزیع قدرت میان احزاب و گروه‌های سیاسی در هر جامعه است. این تحقیق با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده نقشه و نمودارهای مختلف، ضمن بررسی و تجزیه و تحلیل جغرافیای انتخابات استان سمنان سعی دارد به سؤال پاسخ دهد که استان سمنان تا چه اندازه در جغرافیای حمایت و قدرت در انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری تأثیرگذار بوده است؟ در این راستا هدف تحقیق حاضر، بررسی میزان مشارکت در دوره یازدهم انتخابات ریاست جمهوری در استان سمنان نسبت به میانگین کل کشور از منظر جغرافیای قدرت و حمایت می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، در استان سمنان میزان مشارکت همواره از روند ثابت و رو به رشدی برخوردار بوده است که دلیل آن را می‌توان درجه بالای توسعه یافتگی در این استان دانست و بین درجه توسعه یافتگی و افزایش مشارکت سیاسی در استان سمنان رابطه معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: انتخابات، جغرافیای قدرت، درجه توسعه یافتگی، مشارکت سیاسی، سمنان

مقدمه

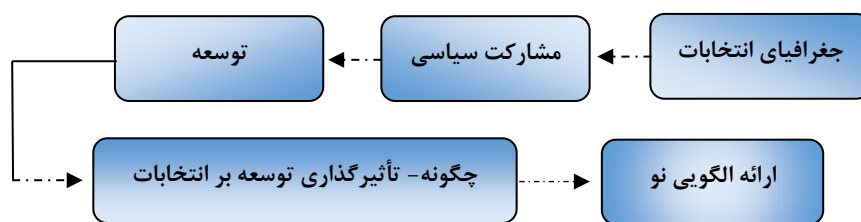
مشارکت فعال شهروندان در امر حاکمیت، رویه و مجراهای گوناگونی دارد که بارزترین آن در انتخابات نمودار می‌گردد. انتخابات و رفتار انتخاباتی کنش و نگرش سیاسی است که با کارکدهای ساختاری و سامانه‌های اقتصادی-فرهنگی در سطح کلان رابطه دارد. انتخابات یک روند بسیار مهم در حاکمیت دموکراتیک است و از طریق آن، تأثیرگذاری مستقیم مردم در رفتار سیاسی آشکار می‌شود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸:۳۲ برگرفته از متقی، ۱۳۹۷:۲۳۸). از این‌رو، جغرافیای انتخابات به بررسی جنبه‌های جغرافیایی انتخابات، همه‌پرسی‌ها، سازماندهی، بویژه نتایج آنها (و همچنین جنبه‌های مشابه نظرسنجی‌ها که غالباً در قلمرو جغرافیای انتخابات گنجانده می‌شود)، می‌پردازد (پیشگاهی فرد، ۵۲، ۱۳۸۵). یکی از اندیشمندانی که با توجه به شرایط جغرافیایی رأی‌دهندگان به تشریح گرایش‌های سیاسی آنها می‌پردازد آندره زیگفرید می‌باشد. وی در تحقیقات خود بر عنصر جغرافیا تأکید ویژه‌ای دارد، اما در عین حال نقش دیگر عوامل اجتماعی را نیز نادیده نمی‌گیرد. از نظر او متغیرهایی چون مذهب، سن، طبقه اجتماعی و امثال آن تعیین کننده رأی افراد است (ایوبی، ۱۸، ۱۳۷۷). از این‌رو انتخابات در ایران زمینه مشارکت مدنی شهروندان در امور سیاسی را فراهم کرده و به نظر می‌رسد مشارکت شهروندان در انتخابات پس از انقلاب اسلامی بیانگر حضور ایدئولوژیکی و رویکرد قومی-قبیله‌ای ناشی از حس خاص مکانی شهروندان می‌باشد (پیشگاهی فرد و شوشتری، ۱۳۸۷:۱۰۹). در این راستا، در ایران رئیس جمهور، با انتخاب مستقیم مردم به قدرت می‌رسد و توسط نهادی مورد تأیید قرار می‌گیرد که خود نقشی در انتخاب آنها ندارد و باید از شرایطی چون تابعیت ایران، مدیر و مدبر بودن، حسن سابقه و امانت و تقوا و از این قبیل موارد برخوردار باشد. در ایران می‌توان قوه مجریه را نیمه ریاستی، نیمه پارلمانی دانست. در ایران بر اساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی پس از مقام رهبری رییس جمهور عالیترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد و بر اساس اصل ۱۱۴ رییس جمهور برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است (www.president.ir).

امروزه مشارکت سیاسی یکی از شاخصه‌های جامعه دموکراتیک بوده و نوعی تظاهر علنی مردم برای تعیین سرنوشت جمعی خود است، همچنین میزان حضور مردم در پای صندوق‌های رأی، یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی در هر کشوری محسوب می‌شود و نمایانگر تعلق خاطر مردم به کشور و سرزمین خود است، مشارکت سیاسی ملت ایران در انتخابات دوره‌های مختلف بی‌نظیر بوده و به عنوان الگویی برای سایر کشورهاست در حالی که در کشورهای مدعی دموکراسی خبری از جریان یافتن ایده‌های مردمی در سطوح بالا نیست. با ورود وسایل ارتباط جمعی به عرصه‌ی اجتماع قدرت دچار تحول شد و اطاعت پذیری جامعه تحت تأثیر شیوه‌های ناپیدا و غیرملموس اقناع و تبلیغ قرار گرفت. به قول دکتر علی شریعتی، اگر در استعمار کهنه، دست‌ها روی سرها بود و از زور استفاده می‌شد در استعمار نو، دست‌ها میان سرها رفت و به مغزها اثر گذاشت. چارلز لیند بلام معتقد است در آستانه‌ی قرن بیست و یکم استفاده از زور و روش‌های جبری آشکار به تدریج کم رنگ شده، ولی از سوی دیگر، گسترش انواع رسانه‌های همگانی و حضور آنها در عرصه‌های مختلف زندگی، اقناع را به بهترین و مؤثرترین ابزار برای حل مناسبات میان حاکمان و مردم و نیز آحاد مختلف مردم تبدیل کرده است (احراری، ۱۳۸۳، ۱۱۱-۱۰۸). از

این رو مشارکت به معنای حضور آگاهانه در عرصه سیاسی و اجتماعی است. ویژگی اساسی چنین حضوری، خیرخواهی همراه با تفکر و تعقل است (کوهن، ۴۳، ۱۳۷۳). بر این مبنای، در مشارکت عمومی به مردم فرصت داده می‌شود که در تعیین سرنوشت و ساختن آینده خود شریک و سهیم شوند. برخی از فعالیت‌هایی که دربرگیرنده موارد مختلف مشارکت اجتماعی است، عبارتند از: معرفی و شناسایی مجرمین در کلیه موارد، رأی دادن، نام نویسی، فعالیت برای جمع آوری آراء و ثبت نام رأی دهندگان، مقاله نویسی و سخنرانی و عضویت در انجمن‌ها و شوراهای و...، جست و جوی اطلاعات، بحث کردن و پذیرش مردمی جدید، شرکت در میتینگ‌های سیاسی، کمک مالی به ستادهای انتخاباتی نامزدها، ارتباط داشتن با نمایندگان، شرکت در امور عام المنفعه، مشارکت در پروژه‌ها و طرح‌های عمرانی، شرکت در تأسیس تشکلهای صنفی، مشارکت در برنامه‌های حمایت از محیط‌زیست و نظایر آن (کلمن، ۱۳۷۷، ۳۷). بنابراین در این پژوهش سعی شده است به بررسی تطبیقی مشارکت انتخابات ریاست جمهوری در استان سمنان با کل کشور در دوره یازدهم پرداخته شود. بر این مبنای، تحقیق حاضر در صدد آن است تا به این سؤال پاسخ دهد که، استان سمنان تا چه اندازه در جغرافیای حمایت و قدرت در انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری تأثیرگذار بوده است؟ در این راستا هدف تحقیق حاضر، بررسی میزان مشارکت در دوره یازدهم انتخابات ریاست جمهوری در استان سمنان نسبت به میانگین کل کشور از منظر جغرافیای قدرت و حمایت می‌باشد.

مفاهیم نظری

«یکی از بحران‌های شکل گرفته در میان علوم، آشفتگی مفاهیم است. لذا به نظر می‌رسد این آشفتگی در ایران بیشتر از سایر نقاط جهان است. بدین ترتیب منظور از آشفتگی درهم تنیده شدن مفاهیم در یکدیگر است که درک مفهوم آن را برای خوانندگان مشکل می‌نماید و زمینه آن را به وجود می‌آورد که هر شخص به تعبیری آن مفهوم را معنی نماید» (قربانی سپهر، ۱۳۹۷:۳۷۳). بر این مبنای در قسمت حاضر تلاش خواهد شد، به صورت بنیانی به مباحث پایه-ای همچون (جغرافیای انتخابات، مشارکت سیاسی و توسعه) که ساختار پژوهش حاضر را شکل می‌دهد، اشاره شود.



شکل ۱: الگوی مفهومی پژوهش (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷)

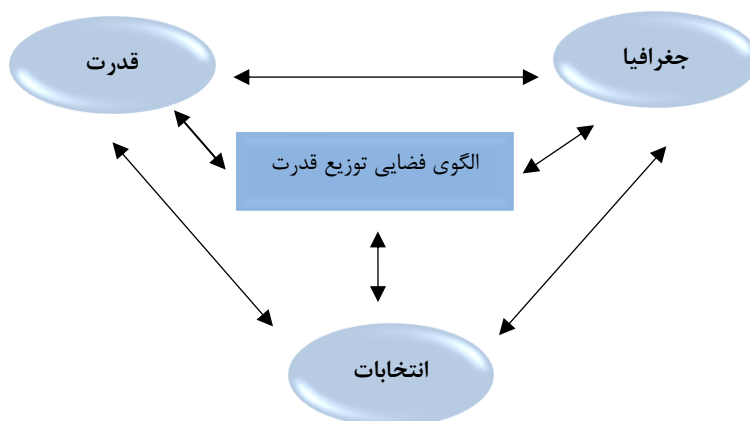
- جغرافیای انتخابات^۱

هر انسانی خالی از خطا و اشتباه نیست، لذا جهت آن که اشتباه حاکمان به حداقل برسد، ضروریست که از راهنمایی - های طبقات مختلف مردم استفاده نمایند تا زمینه مشارکت سیاسی فعال در آن جامعه صورت گیرد. لذا انتخابات^۲ رایج‌ترین واژه در کشورهای دموکراتیک در تعیین مقامات سیاسی است (قربانی سپهر، ۱۳۹۷:۳۰۷). در این راستا، جغرافیای انتخابات یکی از شاخه‌های جغرافیای سیاسی است که بر محدوده‌های جغرافیایی به عنوان بستری برای

^۱. Electoral geography

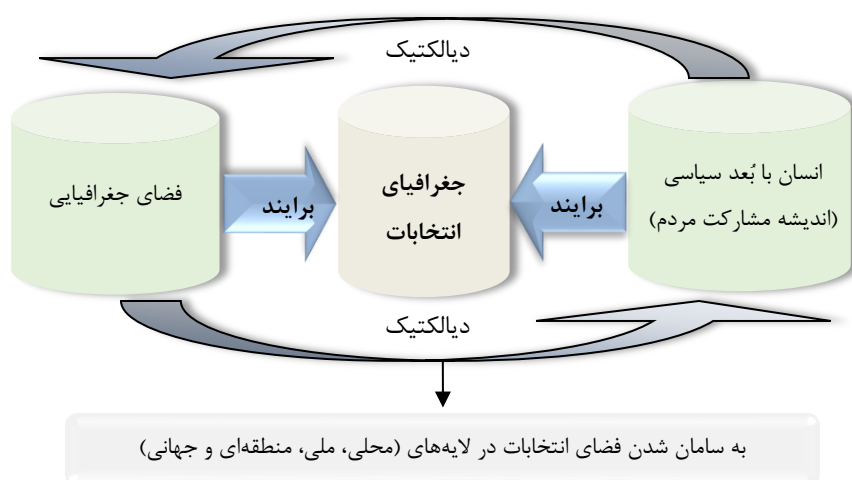
^۲. Eleccion

انتخاب نمایندگان در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی متمرکز شده است. محدوده‌های جغرافیای سیاسی و شناسه‌های مرتبط با دموکراسی نمایندگی در کانون توجه جغرافیای انتخابات قرار دارد (حافظ نیا و کاویانی، ۲۱۷، ۱۳۸۳). انتخابات دارای عملکردهای متفاوتی هستند. انتخابات شرایط را برای کنترل مردمی مهیا می‌سازند، و متضمن آن هستند که حکومت کنندگان (اداره کنندگان کشور) - در چارچوب گزینه‌هایی که برای رای دهندگان ارائه می‌گردند - مشهور و مقبول‌ترین افراد هستند. این مسئله به نوبه خود حاکی از آن است که حمایت شهروندی لازم برای حکومت تأمین می‌شود (تایلور و جانستون، ۱۶، ۱۳۸۶). جغرافیای انسانی مدرن، بر توزیع فضایی پدیده‌ها و جریان‌های به وجودآورنده آن‌ها متمرکز است. به بیان خلاصه‌تر، متخصصان جغرافیای انسانی به سازمان فضایی جامعه می‌پردازند. این سازمان متشکل از دو عنصر است: ۱. سازمان بالفعل (دوفاکتو) که بازتاب طبیعی جامعه در الگوهای فضایی است - توزیع جغرافیایی مداوم ۲. سازمان قانونی که مجموعه الگوهای فضایی است که در جهت اهداف اجرایی و اداری به صورت آشکاری تعریف شده‌اند. الگوی نواحی یا مناطق اجتماعی شهرها نمونه از سازمان بالفعل است، در حالی که حوزه‌های انتخاباتی پارلمانی و یا نواحی انتخابات کنگره را می‌توان بعنوان نمونه‌هایی از سازمان قانونی در نظر گرفت (همان، ۴). شهروندی اساساً یک پیمان نانوشته میان فرد و دولت است که مسئولیت‌هایی که یک شهروند نسبت به دولت دارد و حقوقی که متقابلاً برخوردار است را تعریف می‌کند. شهروندی نمادی از تعلق است - شهروندی ما نمادی از دولت - ملتی است که به آن تعلق داریم. بر این اساس، حقوق خاصی که به شهروندان اعطا می‌شود و یا مسئولیت‌های قانونی که شهروندان باید تقبل کنند، تعریف می‌شود، از آن جمله، حق رأی و مسئولیت پرداخت مالیات می‌باشد (جونز و همکاران: ۲۵۰، ۱۳۸۶). در یک جامعه دموکراتیک حق رأی اساسی‌ترین حق شهروندی است. نتیجه انتخابات به ندرت منعکس‌کننده دیدگاه خالص و منطقی رأی‌دهندگان است (همان، ۲۵۲). مفهوم دموکراسی به شکل‌های مختلف تبلور می‌یابد و انگاره‌های بصری متعددی را ایجاد می‌کند. بر اساس تعریف فرهنگ انگلیسی آکسفورد، دموکراسی حکومت بوسیله مردم است، چه بصورت مستقیم و یا از طریق نمایندگان (تایلور و جانستون، ۱۵، ۱۳۸۶). اصولاً دموکراسی و انتخابات از آن روی در مباحث جغرافیای سیاسی می‌گنجد که به اصل جدایی‌ناپذیری سه پدیده یا عنصر تشکیل دهنده کشور، یعنی «ملت»، «حکومت» و «سرزمین» مربوط می‌شود. اصل جدایی‌ناپذیری مثلث، ملت، حکومت و سرزمین ناشی از رابطه‌ای است که اراده ملت را به حکومت جهت اداره سرزمین منتقل می‌سازد و در همان حال جدایی‌ناپذیری سه عنصر ملت، حکومت و سرزمین را واقعیت می‌بخشد (مجتهد زاده، ۸۶، ۱۳۸۱). جامعه انتخاباتی در برگیرنده مجموعه‌ای به هم پیوسته و در هم تنیده حقوقی - انسانی شامل، "نظام انتخاباتی"، به عنوان ساختار، چارچوب و بستر قانونی پیکار سیاسی، "وضعیت کاندیداهای رقیب و نیروهای درگیر" اعم از احزاب سیاسی، نهادهای مدنی و مطبوعات و نهایتاً "رای‌دهندگان" است. جنسیت، سن و سال، تعلقات قومی و انتظارات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، آموزش و تجربه انتخابات قبلی از جمله نکاتی است که وقوف هرچه بیشتر کاندیداها می‌تواند آنان را به هدف پیکار انتخاباتی نزدیک‌تر سازد (Chrislick, 2005, 3-2). اما از دیدگاه کاویانی‌راد، تعریف علمی جغرافیای انتخابات در چارچوب مفهومی ترکیبی، تبیین پذیر است، این گرایش به عنوان زیر مجموعه دانش جغرافیای سیاسی «به مطالعه الگوهای فضایی توزیع قدرت در قالب روابط متقابل جغرافیا، انتخابات و قدرت می‌پردازد».



شکل ۲: مدل مفهومی جغرافیای انتخابات (منبع: حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، کاویانی‌راد، ۱۳۹۳: ۲۶۴)

به هر روی می‌توان گفت که جغرافیای انتخابات شاخه‌ای تخصصی از جغرافیای سیاسی است که به بررسی و تحلیل آراء انتخاب‌نمایندگان در سطوح محلی، ملی و فراملی می‌پردازد^۱. از این‌رو محدوده جغرافیای سیاسی و شناسه‌ها و شاخص‌های مرتبط با نمایندگی در کانون توجه جغرافیای انتخابات قرار دارد. در نهایت می‌توان گفت ماهیت جغرافیای انتخابات از برآیند کنش بُعد سیاسی انسان با فضای جغرافیایی در راستای مشارکت سیاسی (شهروندان) جهت انتخاب (نمایندگان) با هدف به سامان‌شدن زیست جهانی [به‌زیستی] شکل می‌گیرد. حال این زیست جهانی می‌تواند لایه‌های (محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی) را دربر گیرد^۲ (انصاری و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۰).



شکل ۳: ماهیت جغرافیای انتخابات (منبع: برگرفته از تعریف علم جغرافیا؛ قربانی سپهر، ۱۳۹۷؛ ترسیم از انصاری و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۰)

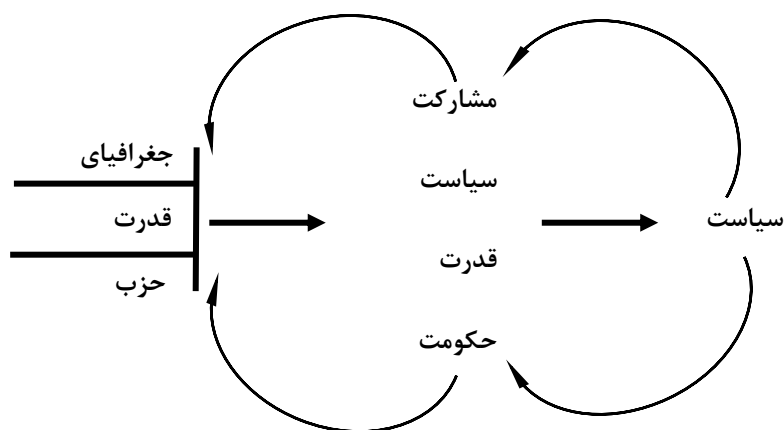
- دو گونه جغرافیای انتخابات

الگوی رفتار انتخاباتی، به معنای شیوه‌ها و رویکردهایی است که شرکت‌کنندگان در یک انتخابات برای انتخاب فرد مورد نظر خود و رأی دادن به وی برمی‌گزینند (دارابی، ۱۳۸۸: ۴۳). از این‌رو مطالعات پس از جنگ جهانی دوم نشان

۱. جهت مطالعه بیشتر در خصوص جغرافیای انتخابات مراجعه شود به کتاب «دیدگاهی نوین به مشارکت سیاسی در ایران (با تأکید بر نقش فضای سایر در انتخابات ریاست جمهوری دوره دوازدهم ریاست جمهوری)» نوشته زهرا انصاری، مهدی حسین‌پور مطلق و آرش قربانی سپهر؛ چاپ شده در انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران، ۱۳۹۷

۲. جهت مطالعه بیشتر مراجعه شود به کتاب مقدمه‌ای بر فلسفه علم جغرافیا نوشته آرش قربانی سپهر؛ چاپ در انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران، ۱۳۹۷

داد رفتار رأی‌دهندگان فراتر از منطقه جغرافیایی است، به‌گونه‌ای که رفتار رأی‌دهندگان را به عنوان پدیده‌ای با متغیرهای مختلف فردی، اجتماعی و حتی جغرافیایی می‌توان مورد توجه قرار داد (مفیدی، ۱۳۸۴: ۲۳). بر این اساس هر انتخاباتی دو فرایند مشخص را با هم تلفیق می‌کند: نخست فعالیت‌های برون حزبی در داخل جناح حاکم بر حکومت برای افزایش میزان مشارکت ملی و دوم اختلاف درون حزبی بر سر امور توزیعی. مورد نخست شامل روابط دولت با سایر بخش‌های اقتصاد جهانی می‌شود و مورد دوم با مسائل و امور داخلی (ملی) مرتبط می‌گردد. به ترتیب این دو فرایند را سیاست قدرت و سیاست حمایتی می‌نامند. احزاب سیاسی این دو فرایند سیاسی را برای تحکیم موقعیتشان و همچنین بسیج آراء مردمی در پیکرهای انتخاباتی‌شان به کار می‌گیرند (Taylor, 1989:227) برگرفته از حافظ‌نیا و کاویانی راد، ۱۳۹۲: ۲۳۱). در این جا فعالیت احزاب دو گونه جغرافیای انتخابات ایجاد می‌کند «جغرافیای حمایتی و جغرافیای قدرت».



شکل ۴: مدل اصلاح شده جغرافیای انتخابات. منبع: Taylor, 1989:227 برگرفته از حافظ‌نیا و کاویانی راد، ۱۳۹۲: ۲۳۱.

مهم‌ترین ویژگی الگوی فوق این است که در این دو فرایند دو گونه جغرافیا شکل می‌گیرد که البته رابطه جامعی بین این دو وجود ندارد. در ادامه پنج گزاره از این مدل بیان می‌شود.

۱. نیازهای ساختاری به این دو فرایند که مبنای فعالیت احزاب باشد وجود ندارد. در واقع تناقض در کارکرد دولت به طور طبیعی سبب تنش‌هایی در درون احزاب می‌شود.
۲. نیاز ساختاری به ایجاد ابهام در نقش دو گانه احزاب وجود دارد، زیرا بدون ابهام‌آفرینی کارکرد قدرتی احزاب غیر ممکن می‌شود. یکی از اهداف نظریه دولت لیبرال این است که احزاب مخالف و دور از قدرت، سیاست‌های حمایتی (مردمی) را در پیش گیرند.
۳. توازن میان کارکردها با یکی از هر دو فرایند بر حسب این‌که حزب در قدرت باشد یا نه متغیر خواهد بود. احزاب مخالف دور از قدرت، سیاست‌های حمایتی (مردمی) در پیش می‌گیرند. مثلاً احزاب سوسیال دموکرات در طول دوره دوری از قدرت کاملاً سوسیالیست می‌شوند.
۴. در حالی که مبانی سیاست حمایتی متنوعند دلیل اساسی اقدام در سیاست قدرت، طبقه است (گروهی از مردم که احزاب به آن‌ها وابسته‌اند). اگر سیاست حمایتی احزاب به طبقه متکی نشود کارکرد ابهام‌آفرینی تسهیل می‌شود.

۵. احزاب ممکن است برای دور نگه داشتن تناقض‌های کارکردی دولت از خود هزینه کنند (عملکرد خود را مورد انتقاد قرار دهند). نظیر حزب جمهوری‌خواه ایالات متحده در سال ۱۹۳۰ و حزب کارگر بریتانیا در دهه ۱۹۸۰ (حافظ‌نیا و کاویانی راد، ۱۳۹۲: ۲۳۲-۲۳۱).

تا کنون جغرافیای انتخابات عمدتاً با جغرافیای حمایتی مرتبط شده است این امر تا حدودی نتیجه دسترسی به داده‌های انتخاباتی است. انتخابات باید عملی فراگیر و مکرر باشد که مبنای مشروعیت حکومت قرار گیرد. در سال‌های اخیر جغرافیای حمایتی اساس جغرافیای انتخابات شده است. اما داده‌های موجود درباره سیاست قدرت بسیار محدود گشته‌اند، جایی که سیاست مبتنی بر اقدامات مخفی‌کاری است ممکن نیست اطلاعاتی در مورد آن بدانیم. در برخی کشورها حمایت مالی سازمان مرکزی اطلاعات امریکا^۱ از احزاب خارجی «دوست» یا بی‌ثبات کردن دولت‌های خارجی «غیر دوست» بخشی از جغرافیای قدرت بوده است. مطمئناً ما نمی‌توانیم منتظر یک آمار رسمی برای شناخت جغرافیای قدرت باشیم. اما نباید به صرف این‌که تحقیق در این بخش دشوار است آن را نادیده بگیریم (Taylor, 1989:227-228 برگرفته از حافظ‌نیا و کاویانی راد، ۱۳۹۲: ۲۳۱). به هر روی ناحیه‌بندی بر اساس قانون و ملاک‌های شناخته شده باشد، اما در مواردی تغییرات صورت گرفته در تقسیمات کشوری صرفاً متأثر از نظامی سامان‌مند و بر پایه شاخص‌هایی منطقی که به وسیله دولت و مجلس‌ها تهیه، تنظیم و تصویب و اجرا می‌شود، نبوده و عوامل پنهان و دور از دسترس و یا عوامل غیررسمی در چنین ترتیباتی دخالتی می‌کنند که از اهمیت بالایی برخوردارند (کریمی پور، ۱۳۸۱: ۴۳). به شکلی کلی‌تر رخنه و نفوذ عوامل غیررسمی و فراقانونی به واسطه نفوذ در هرم (ساختار) قدرت و همچنین نیروهای پنهان یا دولت‌های در سایه به واسطه نفوذ و اقتدار - که فرصت مانور در تصمیم‌گیری‌های حکومت را دارند، تابعی از جغرافیای قدرت می‌باشند. جغرافیای قدرت در تمامی زمینه‌های جغرافیایی در ساختار قدرت با استفاده از جغرافیای حمایت به بهره‌برداری در جهت منافع خویش و یا جغرافیای حمایت یا استفاده از جغرافیای قدرت به تلاش در جهت دستیابی به خواست‌های خود می‌پردازند (رهنما، ۱۳۸۰: ۳۶). در این راستا نقش حمایت‌های محلی و منطقه‌ای در جهت نتیجه‌گیری امر مطلوب که به دنبال استفاده از امکانات جغرافیای قدرت در دستیابی به خواسته‌های خود می‌باشند، تابعی از جغرافیای حمایت می‌باشد. بنابراین در تغییرات سلسله مراتب اداری و سطوح تقسیماتی ایران نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ائمه جماعات و استانداران را می‌توان نیروها و عوامل موجود در جغرافیای قدرت و حرکات جنبش‌های محلی و منطقه‌ای در زمینه خواست این تغییرات را در جغرافیای حمایت مورد بررسی قرار دهد (احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۷). در مجموع می‌توان گفت مباحث جغرافیای قدرت و حمایت در جغرافیای رأی‌گیری پُررنگ‌تر است و اگر به دنبال برگزاری انتخابات عادلانه، شایسته و مردم‌سالارانه هستیم نباید بگذاریم که جغرافیای قدرت و حمایت در آن نقش داشته باشد، زیرا که زمینه ناعدالتی در نظام انتخاباتی و رأی‌گیری را فراهم خواهد ساخت (انصاری و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۶).

^۱. CIA

- مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی^۱ عبارت است از رفتار و اقدامات شهروندان برای تأثیرگذاری بر اتخاذ تصمیم‌هایی که نمایندگان و مقامات دولتی اخذ می‌کنند که به صورت اقدام و عملی در جهت اعتراض به نتیجه‌ی اتخاذ سیاست‌ها و یا تغییر در نگرش تصمیم‌گیرندگان نسبت به موضوعات مورد نظر است. برخی صاحب‌نظران سه حالت متمایز را برای مشارکت سیاسی در نظر گرفته‌اند: رأی دادن، مبارزه انتخاباتی^۲ و نفوذگذاری^۳. این سه نوع از نظر درجه‌ی تعارض نهادی و میزان و تلاش ابتکار فردی متفاوت است. در میان سه نوع مشارکت، نفوذگذاری بیشترین تعارض را با رأی دادن دارد. رأی دادن دارای نهادی‌ترین تعارض و نفوذگذاری دارای کمترین تعارض بوده است، در حالی که رأی دادن مستلزم کمترین ابتکار شخصی و نفوذگذاری دارای بیشترین ابتکار عمل است (قوام، ۱۳۸۹، ۱۳۹-۱۴۴). اگر بپذیریم که دموکراسی در عمل به معنای مشارکت و رقابت سیاسی تعدادی از گروه‌ها و منافع سازمان یافته به منظور تصرف قدرت سیاسی و اداره‌ی کشور بر حسب سیاست‌ها و مواضع هریک از آن گروه‌هاست، در آن صورت احزاب سیاسی و انتخابات کانون و هسته‌ی اصلی زندگی دموکراتیک را تشکیل می‌دهد. مشارکت سیاسی بدون رقابت سیاسی، مشارکت دموکراتیک به شمار نمی‌رود، همچنان که در بسیاری از کشورهای توتالیتر اکثر مردم در انتخابات شرکت می‌کنند. همچنین در حکومت‌های خودکامه و دیکتاتوری مردم به شیوه‌های گوناگونی به پای صندوق‌های رأی کشانده می‌شوند (بشیریه، ۱۳۸۲، ۳۷۵-۳۷۶).

از نظر برخی از اندیشمندان علوم سیاسی، مشارکت به معنای حضور آگاهانه در عرصه سیاسی و اجتماعی است. ویژگی اساسی چنین حضوری، خیرخواهی همراه با تفکر و تعقل است (کوهن، ۱۳۷۳، ۶۵).

مشارکت را، دخالت افراد جامعه به منظور افزایش سازگاری اجتماع و تقویت امنیت اجتماعی، که زمینه ساز توسعه پایدار اجتماع می‌شود، قلمداد می‌کنیم (کاظمی پور، ۱۳۸۳: ۷). در مشارکت عمومی^۴ به مردم فرصت داده می‌شود که در تعیین سرنوشت و ساختن آینده خود شریک و سهیم شوند. "برخی از فعالیت‌هایی که دربرگیرنده موارد مختلف مشارکت اجتماعی است، عبارتند از: معرفی و شناسایی مجرمین در کلیه موارد، رأی دادن، نام نویسی، فعالیت برای جمع‌آوری آرا و ثبت نام رأی دهندگان، مقاله نویسی و سخنرانی و عضویت در انجمن‌ها و شوراهای و... جست و جوی اطلاعات، بحث کردن و پذیرش مردمی جدید، شرکت در میتینگ‌های سیاسی، کمک مالی به ستادهای انتخاباتی^۵ نامزدها، ارتباط داشتن با نمایندگان، شرکت در امور عام المنفعه، مشارکت در پروژه‌ها و طرحهای عمرانی، شرکت در تأسیس تشکلهای صنفی، مشارکت در برنامه‌های حمایت از محیط زیست و نظایر آن (کلمن، ۱۳۷۷: ۳۷). راش^۶ معتقد است که مفهوم سلسله مراتب مشارکت سیاسی لزوماً متضمن فعالیت در یک سطح به عنوان پیش شرط فعالیت در سطح دیگر نیست، همچنین نیازی نیست که در آن اعتراض به منزله شکل خاصی از فعالیت به صورت سلسله مراتبی متمایز شود. او هدف سلسله مراتب را توصیف انواع گوناگون مشارکت سیاسی در

^۱. Political participation

^۲. Election campaign

^۳. Penetration

^۴. Public participation

^۵. Election campaign

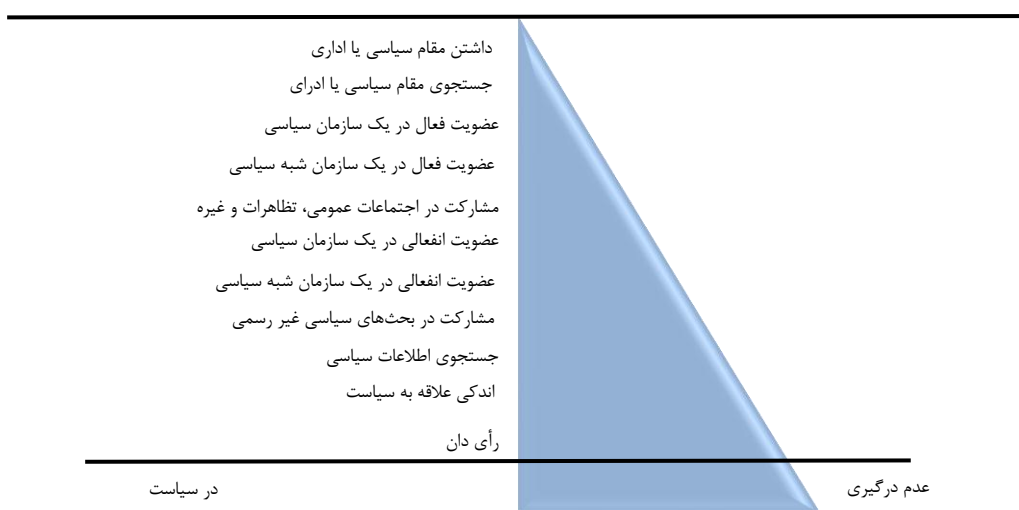
^۶. Candidates

^۷. Rash

ارتباط با این گزاره می‌داند که هر چه سطح فعالیت بالاتر باشد، میزان مشارکت سیاسی که بر حسب تعداد درگیر در یک فعالیت معین سنجیده می‌شود، پایین‌تر است. همچنین اضافه می‌کند که اهمیت سطوح مختلف مشارکت سیاسی ممکن است از یک نظام سیاسی به نظام سیاسی دیگر فرق کند و سطوح معین ممکن است در یک نظام اهمیت بیشتری داشته باشد و در نظام دیگر چندان اهمیتی نداشته باشد. به نظر راش، مشارکت با تأثیر عوامل زیر تغییر می‌کند: «انگیزه‌های سیاسی، موقعیت اجتماعی، ویژگی‌های شخصی، محیط سیاسی، مهارت‌ها، منابع، تعهد و اثربخشی سیاسی» این احساس که می‌توان در سیاست‌ها و خط مشی‌ها تأثیر گذاشت (راش، ۱۳۷۷، ۱۲۶-۱۲۵).

بنابراین می‌توان آن‌گونه که شایسته و بایسته است منظور از مشارکت سیاسی را در سخنان رهبری یافت؛ دخالت در سرنوشت سیاسی جامعه به منظور تصمیم‌سازی و نقش‌آفرینی در فرایند سیاسی کشور است. مشارکت مردم در انتخاب رهبری، رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس و سایر مسئولان به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، نمونه‌های عینی مشارکت سیاسی به شمار می‌رود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با خطا دانستن این اندیشه در ذهن برخی از روشنفکران و افراد سکولار که حکومت‌های مردمی را لزوماً حکومتی غیر از حکومت اسلامی و الهی معرفی می‌کنند، یکی از جلوه‌های مردمی بودن یک حکومت یا نظام سیاسی را در مشارکت سیاسی می‌بینند. در نگاه ایشان مشارکت سیاسی یعنی اینکه مردم در اداره حکومت و تشکیل حکومت، تعیین حاکم و تعیین رژیم نقش اساسی داشته باشند (<http://www.isu.ac.ir>).



شکل ۵: سلسله مراتب مشارکت سیاسی

منبع: راش، ۱۳۷۷: ۱۲۶

- توسعه

توسعه^۱ (واژه متناسب‌تر آن با عنایت به بار معنایی، تناسب فرهنگی، ملی و منطقه‌ای و نیز متناسب با باورها و ارزش‌های اعتقادی جامعه ایرانی، «پیشرفت» خواهد بود) از جمله مفاهیمی است که در دوران معاصر و به ویژه در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم در بین کشورها رواج بسیاری یافته است. توسعه از نظر اندیشه‌ورزان علوم

^۱. development

اقتصادی و اجتماعی، به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظم اجتماعی به‌سوی زندگی بهتر یا انسانی‌تر است. به تعبیر دیگر، توسعه فرآیندی است جامع با هدف افزایش توانایی‌های انسانی-اجتماعی، برای پاسخ‌گویی به خواسته‌های تعریف شده در جوامع بشری. از این‌رو توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگتر شدن است. بنابراین، توسعه کوشش مستمری برای کاهش یا رفع مشکلات و نابسامانی‌های مختلف زندگی اجتماعی و انسانی است. به‌طور کلی، توسعه فرآیندی است که در خود تجدید سازمان و جهت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی-اجتماعی را به همراه دارد. توسعه باید علاوه بر اینکه بهبود میزان تولید و درآمد را در برداشته باشد، شامل دگرگونی‌های اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری، ایستارها و دیدگاه‌های عمومی مردم است. همچنین مشاوران یونسکو^۱ معتقدند: توسعه، فرآیندی هدف‌دار است که به وسیله انسان آغاز می‌شود و هدف آن بهبود شرایط زیستی کلیه کسانی است که در جامعه، زندگی می‌کنند. بنابراین، توسعه عبارت است از شرایطی که در آن تمام اعضای جامعه قادر به رفع نیازهای خویش بوده و از طرفی دیگر برای شکوفایی استعدادهای خود از فرصت‌های بسیار برخوردار باشد (منافی شرف‌آبادی و زمانی، ۱۳۹۱: ۱۳۸-۱۳۷). توسعه با کالاهای مادی آغاز نمی‌شود، با آدمیان و تربیت آن‌ها، با سازمان و با انضباط آغاز می‌شود. بدون این سه، همه‌ی منابع پنهان و دست‌نخورده باقی می‌ماند (شوماخر، ۱۳۶۵: ۱۳۱). توسعه به دلیل اینکه دستاورد انسان محسوب می‌شود، در محتوا و نمود دارای مختصات فرهنگی است و بر تحول ارگانیک دلالت دارد. هدف از توسعه، دستیابی فزاینده‌ی انسان به ارزش‌های فرهنگی است (پاپلی‌یزدی، ۱۳۹۲: ۳۷). به‌طور کلی هدف از توسعه، بهبود شرایط کلی زندگی مردم است. در هر کشوری اقبال خاصی از مردم هستند که وضعیت زندگی‌شان به مراتب بهتر از دیگران است. از این‌رو توسعه باید بیشترین توجه خود را به کسانی معطوف دارد که سطح زندگی‌شان بالا نیست. همچنین توسعه دارای ابعادی همچون (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و...) می‌باشد که این ابعاد همانند یک چرخه بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌پذیرند (حسین‌پور مطلق و همکاران، ۱۳۹۷: ۴).

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی است و برای دستیابی به یافته‌ها از شیوه گردآوری کتابخانه‌ای استفاده شده است، بدین‌صورت که با استناد به داده‌های مورد نیاز که از کتاب‌ها، آمارها، نمودارها، نقشه‌ها، جداول و بررسی اطلاعات مشارکت مردم و مقایسه دوره‌های مختلف انتخابات از دوره اول تا دوره دوازدهم ریاست جمهوری کل کشور در مقایسه با دوره یازدهم استان سمنان جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها و آمارهای مربوط صورت گرفته است و به بررسی علل مشارکت بالا در استان سمنان در دوره یازدهم پرداخته شده است.

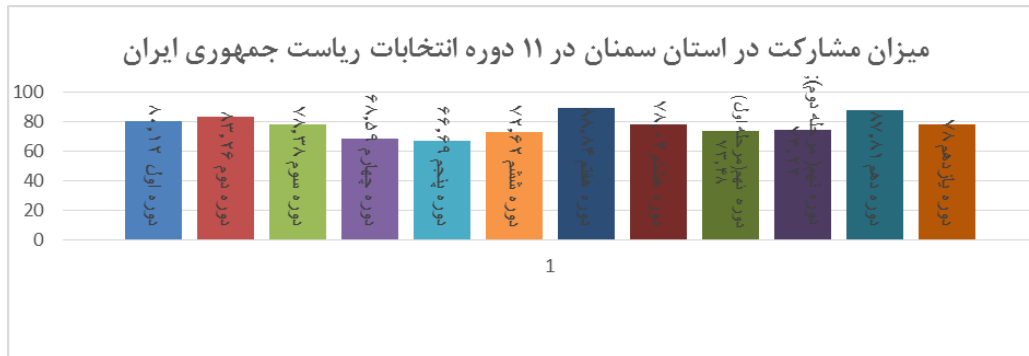
محدوده مورد مطالعه

استان سمنان با داشتن ۸ هزار و ۶۱۲ کیلومتر راه شامل بزرگراه، راه اصلی، راه فرعی و راه روستایی یکی از استان‌های پهناور کشور است. استان سمنان پنجمین استان وسیع کشور با طول بیش از ۶۰۰ کیلومتر بوده که بافت اجتماعی استان در طول این مسیر شکل گرفته است. راه‌های اصلی استان نیز جهت پیوند دهی به این نقاط در قالب

^۱. UNESCO

موضوعات جغرافیای رأی‌گیری بوده و لازمه آن توجه به تحولات سیاسی، اداری و انتخاباتی آن استان می‌باشد (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۷۹). استان سمنان از جمله استانهای مرکزی کشور است که از سالهای ابتدایی انقلاب دارای نوعی ثبات سیاسی - امنیتی بوده و مطالعه فرایندهای انتخاباتی در آن قابل توجه می‌باشد. این استان طبق آخرین برآورد جمعیتی در سال ۱۳۸۴، ۵۸۹۵۱۳ نفر (بیست و هشتمین استان کشور) جمعیت دارد که با احتساب ۹۶۸۱۵/۶۷۶ کیلومتر مربع وسعت (هفتمین استان کشور) می‌باشد. اکثر مردم استان سمنان در شهرستانهای آن زندگی می‌کنند، طوریکه طبق برآورد جمعیتی سال ۱۳۸۳ از کل جمعیت ۵۷۸۹۱۰ نفری این استان، ۴۳۳۰۸۴ نفر آن در شهرها و ۱۴۵۸۲۶ نفر آن در روستاها زندگی می‌کنند که حاصل شرایط ویژه جغرافیایی این استان می‌باشد. ۹۹/۴٪ ساکنین این استان مسلمان هستند، مرکز استان سمنان شهرستان سمنان می‌باشد. این استان طبق آخرین آمار سازمان تقسیمات کشوری دارای ۴ شهرستان، ۱۲ بخش، ۱۶ شهر و ۲۸ دهستان می‌باشد. در دوره اول انتخابات ریاست جمهوری میزان مشارکت مردمی در کل کشور ۶۷/۴۲٪ بوده است. این مشارکت در استان سمنان ۸۰/۱۲٪ می‌باشد، رفتار انتخاباتی مردم استان در این دوره مانند کل کشور متعلق به جناح ملی - مذهبی (رتبه اول ابوالحسن بنی‌صدر) بود. در دوره دوم انتخابات ریاست جمهوری میزان مشارکت مردمی در کل کشور ۶۴/۲۴٪ بوده است این مشارکت در استان سمنان ۸۳/۲۶٪ می‌باشد. رفتار انتخاباتی مردم استان در این دوره مانند کل کشور به جناح مذهبی (رتبه اول شهید رجایی) بود. در دوره سوم انتخابات ریاست جمهوری میزان مشارکت مردمی در کل کشور ۷۴/۲۶٪ بوده است. این مشارکت در استان سمنان ۷۸/۳۸٪ می‌باشد. رفتار انتخاباتی مردم استان در این دوره مانند کل کشور متعلق به جناح مذهبی (رتبه اول حضرت آیت ا... خامنه‌ای) بود. در دوره چهارم انتخابات ریاست جمهوری میزان مشارکت مردمی در کل کشور ۵۴/۷۸٪ بوده است. این مشارکت در استان سمنان ۶۸/۵۹٪ می‌باشد. رفتار انتخاباتی مردم استان در این دوره مانند کل کشور متعلق به جناح مذهبی (رتبه اول حضرت آیت ا... خامنه‌ای) بود. در دوره پنجم انتخابات ریاست جمهوری میزان مشارکت مردمی در کل کشور ۵۴/۵۹٪ بوده است، این مشارکت در استان سمنان ۶۶/۶۹٪ می‌باشد. رفتار انتخاباتی مردم استان سمنان در این دوره مانند کل کشور متعلق به جناح راست (رتبه اول آقای‌هاشمی‌رفسنجانی) بود. در دوره ششم انتخابات ریاست جمهوری میزان مشارکت مردمی در کل کشور ۵۰/۶۶٪ بوده است این مشارکت در استان سمنان ۷۲/۶۲٪ می‌باشد. رفتار انتخاباتی مردم استان سمنان در این دوره نیز مانند کل کشور متعلق به جناح راست (رتبه اول آقای‌هاشمی‌رفسنجانی) بود. در دوره هفتم انتخابات ریاست جمهوری میزان مشارکت مردمی در کل کشور ۷۹/۹۲٪ بوده است این مشارکت در استان سمنان ۸۸/۸۴٪ می‌باشد. رفتار انتخاباتی مردم استان در این دوره مانند کل کشور متعلق به جناح چپ (مجمع روحانیون) بود و آقای سید محمد خاتمی مانند کل کشور رتبه اول را کسب نمودند. در دوره هشتم انتخابات ریاست جمهوری میزان مشارکت مردمی در کل کشور ۶۶/۷۷٪ بوده است این مشارکت در استان سمنان ۷۸/۰۴٪ می‌باشد. رفتار انتخاباتی مردم در استان سمنان در این دوره مانند کل کشور متعلق به جناح اصلاح طلب (رتبه اول سیدمحمد خاتمی) بود. در مرحله اول دوره نهم انتخابات ریاست جمهوری میزان مشارکت مردمی در کل کشور ۶۲/۸۶٪ بوده است این مشارکت در استان سمنان ۷۳/۴۸٪ می‌باشد. رفتار انتخاباتی مردم در این دوره با کل کشور متفاوت می‌باشد. در حالی که در اکثر استانهای کشور آقای‌هاشمی‌رفسنجانی حائز رتبه اول شدند، در استان سمنان آقای محمود احمدی‌نژاد از جناح

اصولگرا حائز رتبه اول گردیدند. در مرحله دوم دوره نهم انتخابات ریاست جمهوری میزان مشارکت مردمی در کل کشور ۵۹/۷۶٪ بوده است این مشارکت در استان سمنان ۷۴/۲۲٪ می باشد. رفتار انتخاباتی مردم در این استان مانند کل کشور متعلق به جناح اصولگرا (رتبه اول محمود احمدی نژاد) بود. در دوره دهم انتخابات ریاست جمهوری میزان مشارکت مردمی در کل کشور ۸۴/۸۳٪ بوده است این مشارکت در استان سمنان ۸۷/۸۱٪ می باشد. در دوره یازدهم انتخابات ریاست جمهوری میزان مشارکت مردمی در کل کشور ۷۲,۷٪ بوده است این مشارکت در استان سمنان ۷۸٪ می باشد (مرکز آمار و اطلاعات وزارت کشور).



شکل ۷: میزان مشارکت در استان سمنان در ۱۱ دوره انتخابات ریاست جمهوری

منبع: نگارندگان



شکل ۸: درصد آراء نامزدهای انتخابات دوره یازدهم در استان سمنان به تفکیک شهرستان

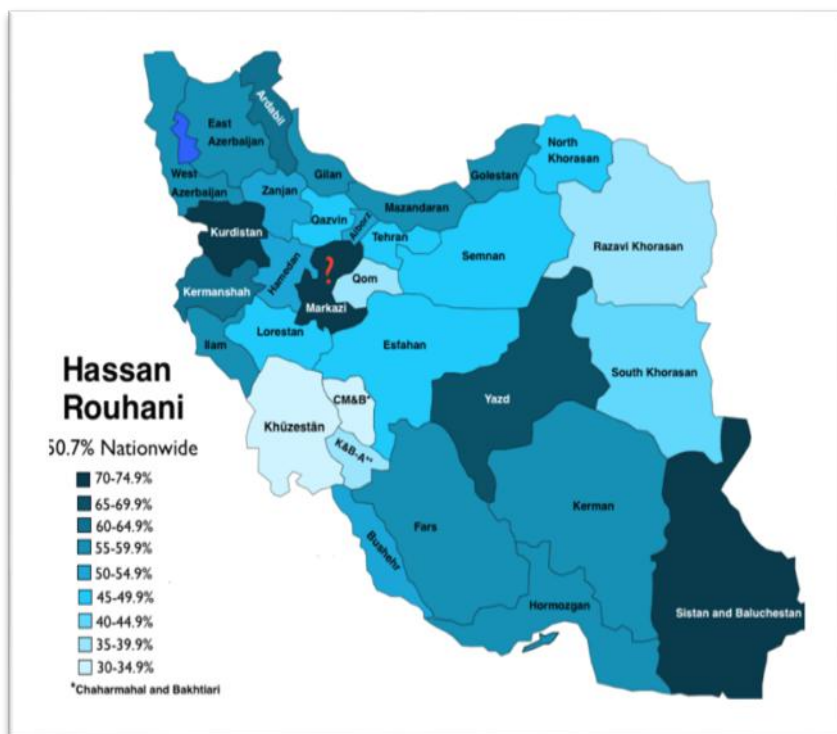
منبع: نگارندگان

جدول ۱: درصد آراء نامزدهای انتخابات دوره یازدهم به تفکیک شهرستان

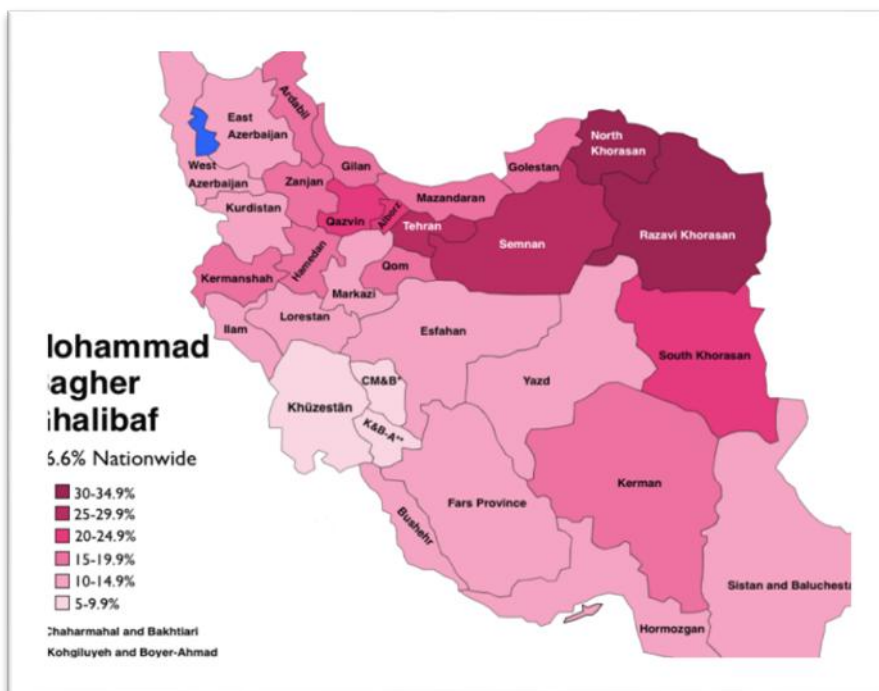
شهرستان	روحانی	قالیباف	جلیلی	رضایی	ولایتی	قرضی
روحانی	۳۶,۵۴	۵۵,۱۲	۷۱,۳۴	۴۵,۵۵	۵۰,۴	۵۲,۳۴
قالیباف	۳۶,۷۳	۳۹,۴۴	۴۵,۳۱	۲۹,۶۱	۱۹,۷۲	۱۱,۹۳
جلیلی	۲۲,۲۹	۳۰,۷۸	۲۸,۱۷	۲۵,۲۶	۲۳,۶۹	۲۰,۸۱
رضایی	۱۲,۹۵	۱۶,۲	۱۸,۷۳	۱۶,۱۴	۱۶,۷	۱۲,۹۵
ولایتی	۴,۲۴	۴,۲۸	۴,۱۲	۴,۱۹	۴,۲۴	۴,۲۴
قرضی	۷,۳	۸,۱۸	۷,۶۴	۸,۲	۶,۹۹	۳,۳۸
	۱,۵۲	۱,۵۶	۱,۳۷	۱,۳۴	۱,۳۸	۰,۷۵

منبع: وزارت کشور، ۱۳۹۳

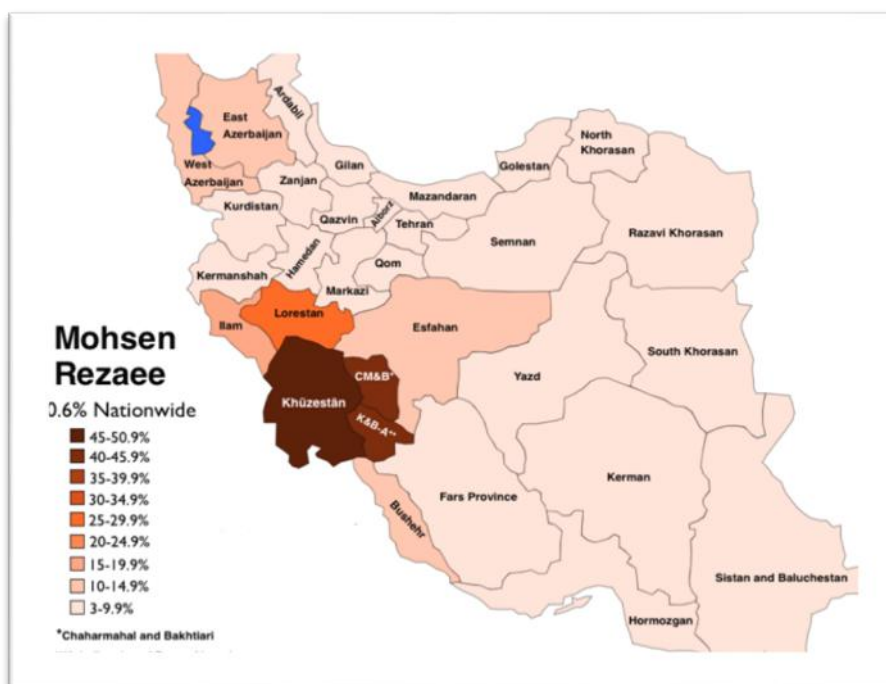
همان طور که در نمودارها مشاهده می شود در دوره یازدهم انتخابات ریاست جمهوری در اکثر شهرستان های استان سمنان بالاترین رای برای جبهه اعتدال یعنی روحانی می باشد و سپس آراء به ترتیب به قالیباف و سپس رضایی و ولایتی و در آخر به جلیلی و قرضی تعلق گرفته است.



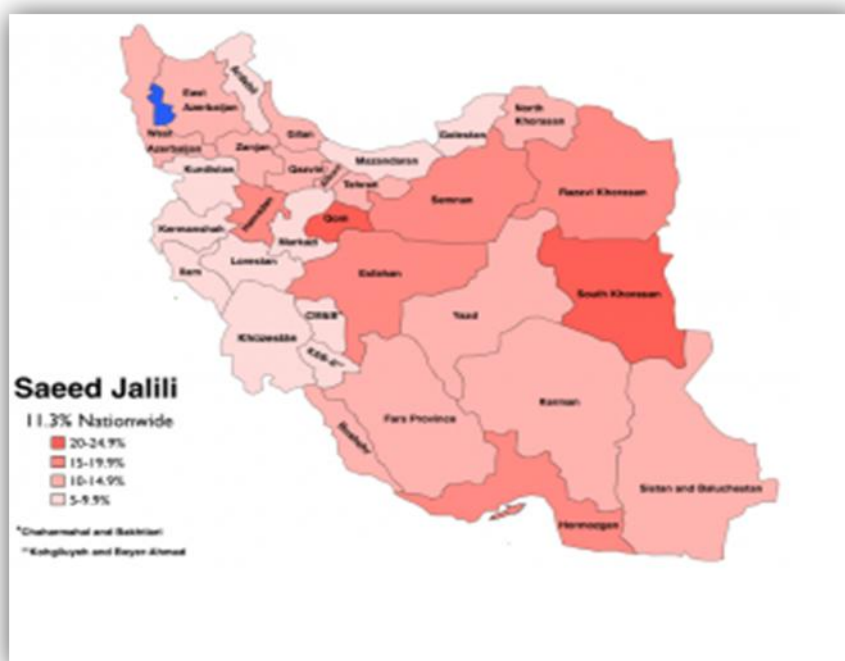
شکل ۹: درصد پراکندگی رأی روحانی در انتخابات دوره یازدهم در کشور
(<http://www.geocurrents.info>)



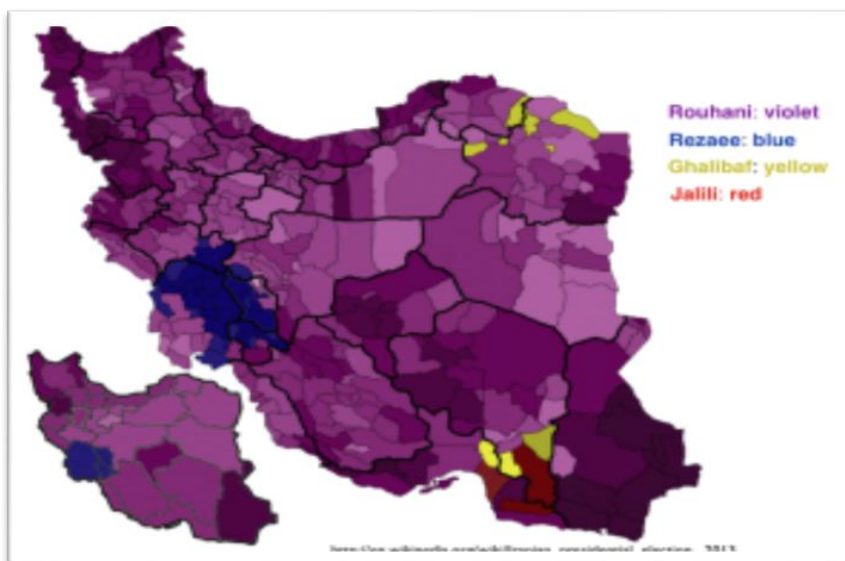
شکل ۱۰: درصد پراکندگی رأی قالیباف در انتخابات دوره یازدهم در کشور
(<http://www.geocurrents.info>)



شکل ۱۱: درصد پراکندگی رأی رضایی در انتخابات دوره یازدهم در کشور
(<http://www.geocurrents.info>)



شکل ۱۲: درصد پراکندگی رأی جلیلی در انتخابات دوره یازدهم در کشور
(<http://www.geocurrents.info>)



شکل ۱۳: درصد پراکندگی رأی نامزدهای انتخاباتی در انتخابات دوره یازدهم در کشور

<http://www.geocurrents.info>

همانطور که در نقشه‌های بالا مشاهده می‌شود؛ به ترتیب در شکل شماره ۷، که رأی آقای روحانی می‌باشد در سیستان و بلوچستان و یزد و مرکزی و کردستان بیشترین درصد رأی را به خود اختصاص داده است و در استان‌های خراسان رضوی، قم و کهگیلویه و بویر احمد دارای کمترین میزان رأی بوده است. در شکل شماره ۱۰، که رأی آقای جلیلی می‌باشد در خراسان جنوبی و قم بیشترین درصد رأی را به خود اختصاص داده است و در استان‌های گلستان، مازندران، اردبیل، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، لرستان، مرکزی، ایلام، کرمانشاه و کردستان کمترین میزان درصد رأی را بدست آورده است. در شکل شماره ۹، که رأی آقای رضایی می‌باشد در استان‌های لرستان، خوزستان، کهگیلویه و بویر احمد، چهارمحال و بختیاری بیشترین رأی را به خود اختصاص داده است و در سایر استان‌های کشور کمترین میزان رأی را بدست آورده است. در شکل شماره ۸، که رأی آقای قالیباف می‌باشد در استان‌های خراسان رضوی و شمالی، تهران و سمنان از پراکندگی بیشتری در رأی برخوردار است و در استان‌های کهگیلویه و بویر احمد و چهارمحال و بختیاری و خوزستان از کمترین پراکندگی درصد رأی برخوردار است. در شکل شماره ۱۱ که پراکندگی درصد رأی ۴ نامزد انتخاباتی می‌باشد، نشان دهنده این واقعیت است که روحانی بیشترین میزان رأی را در کل کشور بدست آورده است به جز سه استان خوزستان، کهگیلویه و بویر احمد و چهارمحال و بختیاری که رضایی بر روحانی پیشی گرفته است، رأی سایر نقاط کشور متعلق به روحانی می‌باشد.

- مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری ایران

یکی از ویژگی‌های اساسی نظام‌های مردمی و مردم‌سالار مشارکت مردم در فرایند انتخاب نخبگان سیاسی جامعه است (پناهی، ۱۳۸۰، ۱۷۲). مشارکت سیاسی یکی از شاخصه‌های جامعه دموکراتیک بوده و نوعی تظاهر علنی مردم برای تعیین سرنوشت جمعی خود است، همچنین میزان حضور مردم در پای صندوق‌های رأی، یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی در هر کشوری محسوب می‌شود و نمایانگر تعلق خاطر مردم به کشور و سرزمین خود است.

مشارکت سیاسی ملت ایران در انتخابات دوره‌های مختلف بی‌نظیر بوده و به عنوان الگویی برای سایر کشورهاست در حالی که در کشورهای مدعی دموکراسی خبری از جریان یافتن ایده‌های مردمی در سطوح بالا نیست.

جدول ۲: میزان مشارکت دوره اول تا دوازدهم در انتخابات ریاست جمهوری ایران

دوره انتخاباتی	تاریخ رای‌گیری	واجدین شرایط	تعداد شرکت‌کنندگان	درصد مشارکت مردم	تعداد کاندیدا	رئیس جمهور منتخب	آراء کسب شده رئیس جمهور	درصد آراء رئیس جمهور	گرایش رئیس جمهور منتخب
دوره اول	۵۸/۱۱/۱۵	۲۰۹۹۳۶۴۳	۱۴۱۵۲۸۸۷	۶۷٫۵	۱۰	بنی صدر	۱۰۷۰۹۳۳۰	۵۳٫۵	لیبرال
دوره دوم	۶۰/۵/۲	۲۲۶۸۷۰۱۷	۱۴۷۴۴۸۰۳	۶۴	۴	رجایی	۱۲۷۲۲۰۰۰	۸۵٫۷	راست
دوره سوم	۶۰/۷/۱۰	۲۲۶۸۷۰۱۷	۱۶۸۴۷۷۱۷	۷۴	۴	آیت‌الله خامنه‌ای	۱۶۸۰۰۵۷۹	۹۹٫۷	راست
دوره چهارم	۶۴/۴/۲۵	۲۵۹۹۳۸۰۲	۱۴۲۳۸۵۸۷	۵۵	۳	آیت‌الله خامنه‌ای	۱۲۲۰۳۸۷۰	۸۴٫۵	راست
دوره پنجم	۶۸/۵/۶	۳۰۱۳۹۵۹۸	۱۶۴۵۲۶۷۷	۵۵	۲	هاشمی رفسنجانی	۱۵۵۳۷۳۹۴	۵۳٫۶	میان‌رو
دوره ششم	۷۲/۳/۲۱	۳۳۱۵۶۰۵۵	۱۶۷۹۶۷۸۷	۵۱	۴	هاشمی رفسنجانی	۱۰۵۵۵۹۱۲	۶۳٫۱	میان‌رو
دوره هفتم	۷۶/۳/۲	۳۶۴۶۶۴۷۸	۲۹۱۴۷۷۴۵	۸۰	۴	خاتمی	۲۰۰۷۸۱۷۸	۹۰٫۲	چپ
دوره هشتم	۸۰/۳/۱۸	۴۲۱۷۰۲۳۰	۲۸۱۵۵۸۱۹	۶۷	۱۰	خاتمی	۲۱۶۵۹۰۵۳	۷۶٫۹	چپ
دوره نهم (مرحله ۱)	۸۴/۳/۲۷	۴۸۸۷۸۴۱۸	۲۹۳۱۷۰۴۲	۶۳	۷	احمدی نژاد	۵۷۱۰۳۵۴	۲۰٫۳۳	راست
دوره نهم (مرحله ۲)	۸۴/۴/۳	=	=	۵۹٫۷	۲	احمدی نژاد	۱۷۲۴۸۷۸۲	۶۳٫۱۹	راست
دوره دهم	۸۸/۴/۲۲	۴۶۲۰۰۰۰۰	۳۹۳۷۱۲۱۴	۸۴٫۸۳	۴	احمدی نژاد	۲۴۵۲۷۵۱۶	۶۲٫۶۳	راست
دوره یازدهم	۹۲/۳/۲۴	۵۰۴۸۳۱۹۳	۳۶۷۰۴۱۵۶	۷۲٫۷	۴	روحانی	۱۸۱۱۳۳۲۹	۵۰٫۷	میان‌رو
دوره دوازدهم	۹۶/۳/۲۹	۵۶۱۰۲۳۴	۴۱۳۶۶۰۸۵	۸۰٫۳	۴	روحانی	۲۳۶۳۶۶۵۲	۵۷٫۱۳	اعتدال و توسعه

منبع: وزارت کشور، ۱۳۹۶

با توجه به جدول ۲: بیشترین میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری در دوره‌های سوم (۷۴ درصد)، دوره هفتم (۸۰)، دوره دهم (۸۴٫۸۳)، دوره یازدهم (۷۲٫۷)، دوره دوازدهم (۸۰٫۳) بوده است. در دوره اول انتخابات ریاست جمهوری که در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۴ برگزار گردید، ۱۰ نامزد که توسط شورای نگهبان تایید صلاحیت شدند عبارت بودند از: ابوالحسن بنی‌صدر (با گرایش لیبرال)، احمد مدنی (با گرایش لیبرال)، حسن حبیبی (با گرایش راست)، صادق طباطبایی (با گرایش لیبرال)، صادق قطب‌زاده (با گرایش لیبرال)، کاظم سامی (با گرایش لیبرال)، داریوش فروهر (با گرایش لیبرال)، حسن آیت (با گرایش راست) و جلال‌الدین فارسی (با گرایش راست)؛ که از بین آن‌ها ابوالحسن بنی‌صدر با ۱۰،۷۰۹،۳۳۰ رأی به ریاست جمهوری برگزیده شد. دلیل این انتخاب را می‌توان معرفی بهتر بنی‌صدر نسبت به رقبا و حمایت برخی مقامات از ایشان را برشمرد. دور دوم که بعد از خلع بنی‌صدر صورت گرفت، یعنی در تاریخ ۶۰/۵/۲، از میان کاندیداهای تایید صلاحیت شده که محمدعلی رجایی (با گرایش راست)، اکبر پرورش (با گرایش راست)، عباس شیبانی (با گرایش راست)، حبیب‌الله عسگرآلادی (با گرایش راست) بودند، محمدعلی رجایی با کسب ۱۲،۷۲۲،۰۰۰ رأی بعنوان دومین رئیس جمهور انتخاب گردید. دوره سوم که پس از مدت کوتاهی و بخاطر واقعه انفجار در دفتر مرکزی دولت بوجود آمد، در تاریخ ۶۰/۷/۱۰ انتخابات برگزار گردید که در این دوره آیت‌الله خامنه‌ای (با گرایش راست)، اکبر پرورش (با گرایش راست)، حسن غفوری‌فرد (با گرایش راست) و سیدرضا زواره‌ای (با گرایش راست)، به رقابت پرداختند و آیت‌الله خامنه‌ای با کسب ۱۶،۸۰۰،۵۷۹ رأی بعنوان سومین رئیس‌جمهور برگزیده شد. در دور چهارم که در تاریخ ۶۴/۵/۲۵ انتخابات ریاست جمهوری شکل گرفت؛ سه کاندیدا عبارت بودند از: آیت‌الله خامنه‌ای (گرایش راست)؛ حبیب‌الله عسگرآلادی (گرایش راست)؛ و سید محمود کاشانی (گرایش راست)؛ که آیت‌الله خامنه‌ای با کسب ۱۲،۲۰۳،۸۷۰ رأی، برای بار دوم بعنوان رئیس‌جمهور انتخاب گردید. در دوره پنجم که در مورخه ۶۸/۵/۶ برگزار شد؛ آقای هاشمی رفسنجانی (میان‌رو)؛ و عباس شیبانی

(گرایش راست)؛ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفتند که آقای هاشمی رفسنجانی در این دوره با کسب ۱۵۵۳۷۳۹۴ رأی به‌عنوان رئیس جمهور برگزیده شد. دوره ششم انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ ۷۲/۳/۲۱ با چهارکاندیدا: آقایان هاشمی رفسنجانی (میان‌رو)؛ احمد توکلی (گرایش راست)؛ عبدالله جاسبی (گرایش راست)؛ و رجبعلی طاهری (گرایش راست)؛ برگزار شد که در این دوره نیز اکبر هاشمی رفسنجانی با کسب ۱۰،۵۵۰،۹۱۲ رأی برای بار دوم به ریاست جمهوری انتخاب شد. دوره هفتم که در دوم خرداد ۷۶ با رقابت سختی بین سه روحانی نام آشنا یعنی: علی‌اکبر ناطق‌نوری (گرایش راست)؛ سیدمحمد خاتمی (با گرایش چپ)؛ و محمد ری شهری (گرایش راست)؛ و همچنین سیدرضا زواره‌ای (گرایش راست)؛ برگزار شد که در این دوره سید محمد خاتمی با کسب ۲۰،۰۷۸،۱۷۸ رأی به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. در هشتمین دوره که در تاریخ ۸۰/۳/۱۸ برگزار شد از ده کاندیدای انتخاباتی یعنی: احمد توکلی (با گرایش راست)؛ عبدالله جاسبی (با گرایش راست)؛ سیدمحمد خاتمی (با گرایش چپ)؛ علی شمخانی (با گرایش چپ)؛ سیدمنصور رضوی (با گرایش راست)؛ علی فلاحیان (با گرایش چپ)؛ سیدشهاب‌الدین صدر (با گرایش راست)؛ حسن غفوری فرد (با گرایش راست)؛ سیدمحمود کاشانی (با گرایش راست)؛ و سیدمصطفی هاشمی‌طبا (با گرایش چپ)؛ که مورد تأیید شورای نگهبان بودند؛ سیدمحمد خاتمی با کسب ۲۱،۶۵۹،۰۵۳ رأی برای بار دوم به ریاست جمهوری انتخاب شد. در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری هشت نامزد؛ آقایان: احمدی‌نژاد (اصولگرا با گرایش راست)؛ لاریجانی (با گرایش راست)؛ قالیباف (با گرایش راست)؛ کروبی (با گرایش چپ)؛ معین (با گرایش چپ)؛ مهرعلیزاده (با گرایش چپ)؛ هاشمی رفسنجانی (میان‌رو)؛ و محسن رضایی (با گرایش راست)؛ (که قبل از برگزاری انتخابات انصراف داد)؛ تأیید صلاحیت و به رقابت پرداختند. در نهایت آقایان هاشمی رفسنجانی با ۶،۱۵۹،۴۳۵ رأی به‌عنوان نفر اول و احمدی‌نژاد با ۵،۷۱۰،۳۵۴ رأی به‌عنوان نفر دوم به دور دوم انتخابات راه یافتند. سرانجام در دور دوم آقای احمدی‌نژاد با ۱۷،۲۴۸،۷۸۲ رأی در مقابل جمهوری؛ آقایان: احمدی‌نژاد (اصولگرا با گرایش راست)؛ رضایی (با گرایش راست)؛ کروبی (با گرایش چپ)؛ موسوی (با گرایش چپ)؛ تأیید صلاحیت و به رقابت پرداختند. در نهایت محمود احمدی‌نژاد با کسب ۲۴،۵۲۷،۵۱۶ رأی برای بار دوم به ریاست جمهوری انتخاب شد. در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری؛ آقایان: روحانی (میان‌رو)؛ رضایی (با گرایش راست)؛ قالیباف (با گرایش راست)؛ جلیلی (باگرایش راست)؛ ولایتی (با گرایش راست)؛ غرضی (با گرایش راست)؛ و حداد عادل (با گرایش راست)؛ و عارف (با گرایش چپ)؛ (که قبل از برگزاری انتخابات انصراف دادند)؛ تأیید صلاحیت و به رقابت پرداختند. در نهایت آقای حسن روحانی با کسب ۱۸،۶۱۳،۳۲۹ رأی به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. در دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری؛ آقایان: روحانی (اعتدال‌گرا)؛ رئیسی (با گرایش راست)؛ هاشمی‌طبا (گرایش چپ)، میرسلیم (گرایش راست) و قالیباف (راست) و جهانگیری (چپ) که کناره‌گیری کردند که در نهایت حسن روحانی با ۲۳،۶۳۶،۶۵۲ رأی برای بار دوم به ریاست جمهوری انتخاب شد (وزارت کشور، ۱۳۹۶).

- درجه توسعه یافتگی در استان سمنان

به هر روی ارزیابی سطح توسعه از طریق شاخص‌های منفرد یا مجموعه‌ای از شاخص‌های چند گانه و در محورهای

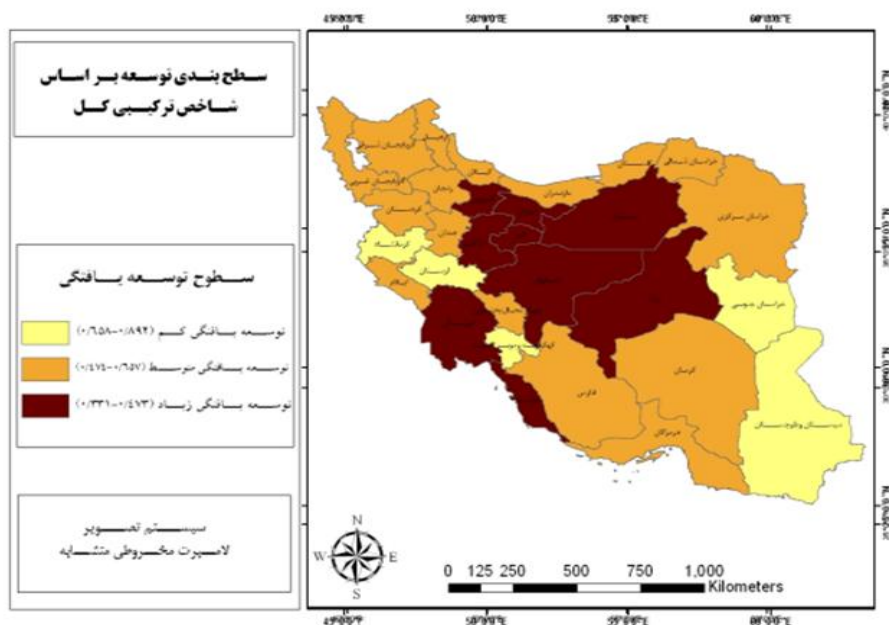
مختلف توسعه اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی انجام می‌شود (Mcgillivray, 1991, 1461). اما باید توجه داشت که توسعه پدیده‌ای چند بعدی و پیچیده است و نمی‌تواند به وسیله‌ی یک شاخص اندازه‌گیری شود (Todaro, 1989, 113-108). از این‌رو تعاریف گوناگونی درباره توسعه ارائه شده است که به جنبه‌های مختلفی از توسعه اشاره شده است. در تعریفی از توسعه مؤسسه مارگا توسعه‌ای را کامل می‌داند که دارای پنج مشخصه زیر باشد:

۱- بعد اقتصادی که به ایجاد ثروت و بهبود شرایط زندگی مادی و توزیع عادلانه امکانات مربوط می‌شود.
۲- بعد اجتماعی که بر مبنای امکانات بهزیستی (بهداشت، آموزش، مسکن و اشتغال) اندازه‌گیری می‌شود.
۳- بعد سیاسی که ارزش‌هایی مانند حقوق بشر، آزادی‌های سیاسی، حقوق تابعیت و برخی اشکال دموکراسی را شامل می‌شود.

۴- بعد فرهنگی که بر مبنای به رسمیت شناختن این واقعیت است که فرهنگ‌ها به افراد، هویت و ارزش شخصی اعطا می‌کنند.

۵- بعد موسوم به «الگوی زندگی کامل» که به نظام‌های محتوایی، نهادها و باورهایی مربوط می‌شود که با هدف نهایی زندگی و تاریخ در ارتباط است (گولت، ۱۳۷۴، ۷۰-۶۹). از نظر کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه، بسیاری از مسائل بحرانی مربوط به بقاء و زندگی، به توسعه نامتوازن، فقر و رشد جمعیت مربوط است که باعث فشار بی‌سابقه بر منابع طبیعی نیز می‌گردد. مارپیچ رو به پایین فقر و تخریب محیط‌زیست، باعث اتلاف فرصت‌ها و منابع و به طور خاص باعث اتلاف منابع انسانی می‌شود. آنچه در حال حاضر مورد نیاز است، دوره جدید از رشد قوی اقتصادی که در عین حال به مسائل اجتماعی و محیط زیست پایدار نیز توجه داشته باشد. بر این اساس کمیسیون براندلند، موضوع توسعه پایدار و ارتباط بین اقتصاد رفاه و محیط زیست را مطرح کرد. از دیدگاه کمیسیون براندلند، توسعه پایدار توسعه‌ای است که پاسخگوی نیازهای حال حاضر، بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای رفع نیازهای خود باشد (Grunkemeyer and moss, 1999, 74).

بنابراین، سطح‌بندی استان‌های مختلف بر اساس شاخص‌های ترکیبی کل توسعه در شکل (۱۲) نشان داده شده است. همان‌گونه مشاهده می‌شود که در سطح توسعه یافتگی زیاد با شاخص ترکیبی بین ۰،۴۷۳-۰،۳۳۱ استان‌های تهران، اصفهان، سمنان، قم، مرکزی، قزوین، بوشهر، خوزستان و یزد قرار دارند. در گروه با سطح توسعه یافتگی متوسط که شاخص ترکیبی بین ۰،۶۵۷-۰،۴۷۴ قرار دارد، استان‌های کرمان، هرمزگان، خراسان رضوی، خراسان شمالی، گلستان، مازندران، گیلان، اردبیل، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، زنجان، کردستان، همدان، چهارمحال بختیاری و ایلام قرار گرفته‌اند. در گروه استان‌های با سطح توسعه یافتگی کم، استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویر احمد، لرستان و کرمانشاه قرار دارند. شاخص‌های ترکیبی این گروه بین ۰،۸۹۲-۰،۶۵۸ تغییر می‌کند (عبدالله‌زاده و شریف‌زاده، ۵۵، ۱۳۹۱). همان‌طور که بر اساس نقشه شماره ۱۴ مشاهده می‌شود؛ استان سمنان جزء استان‌هایی است که از درجه توسعه یافتگی بالا برخوردار است. درجه توسعه یافتگی استان‌ها ارتباط معناداری با مشارکت سیاسی شهروندان در استان سمنان دارد و به خصوص در انتخابات سال ۱۳۹۲ که موضوع مورد مطالعه پژوهش می‌باشد به‌طور واضح قابل مشاهده است.



شکل ۱۴: سطح بندی استان‌ها از نظر شاخص ترکیب کل منبع: غلام حسین عبدالله زاده و ابولقاسم شریف زاده، ۱۳۹۱، ۵۰

نتیجه گیری

استان سمنان جزء استان‌های مرکزی کشور محسوب می‌شود. استان‌های با سطح توسعه‌یافتگی زیاد که ۹ استان کشور را با مساحت ۳۰,۴۳ درصد شامل می‌شوند، استان سمنان جزء استان‌های با سطح توسعه یافتگی بالا می‌باشد. این استان بر اساس شاخص‌های ترکیبی کل دارای سطح توسعه یافتگی بالا می‌باشد که میزان این سطح توسعه یافتگی بین ۰,۶۷۳-۰,۳۳۱ می‌باشد که نشان دهنده سطح نسبتاً بالا است. در جریان انتخابات در هر کشوری و از جمله ایران هرچه میزان سطح توسعه یافتگی بالاتر باشد میزان مشارکت در عرصه انتخابات و حضور مردم در عرصه‌های سیاسی افزایش خواهد یافت. استان سمنان به دلیل سطح بالای توسعه از جمله استان‌های کشور محسوب می‌شود که دارای مشارکت بالای انتخاباتی در تمام دوره‌های انتخابات در کشور است که میانگین این مشارکت در تمام دوره‌ها از میانگین کشوری بالاتر بوده است در گروه با سطح توسعه یافتگی متوسط که شاخص ترکیبی بین ۰,۶۵۷-۰,۴۷۴ قرار دارد، استان‌های کرمان، هرمزگان، خراسان رضوی، خراسان شمالی، گلستان، مازندران، گیلان، اردبیل، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، زنجان، کردستان، همدان، چهارمحال بختیاری و ایلام قرار گرفته‌اند. در گروه استان‌های با سطح توسعه یافتگی کم، استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویر احمد، لرستان و کرمانشاه قرار دارند. شاخص‌های ترکیبی این گروه بین ۰,۸۹۲-۰,۶۵۸ تغییر می‌کند.

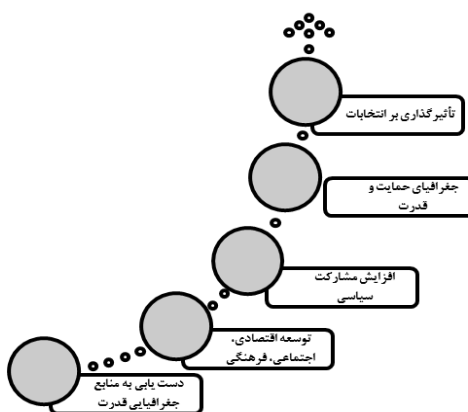
همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود؛ مشارکت استان سمنان در تمام دوره‌های انتخابات ریاست جمهوری بالا بوده و به‌طور میانگین ۷۰ تا ۸۰ درصد است که در مقایسه با کل کشور در تمام دوره‌ها از درصد بیشتری برخوردار است و این نشان دهنده مشارکت بسیار خوب در استان سمنان در ۱۲ دوره انتخابات ریاست جمهوری می‌باشد.

بنابراین؛ با توجه به سؤال تحقیق که، استان سمنان تا چه اندازه در جغرافیای حمایت و قدرت در انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری تأثیرگذار بوده است؟ می‌توان پاسخ داد، جغرافیای حمایت و قدرت در استان سمنان به میزان زیادی با توسعه در این استان رابطه دارد به طوری که از انتخابات سال ۱۳۸۴ ریاست جمهوری تا انتخابات ۱۳۹۶ دو نامزد ریاست جمهوری این استان توانستند با اخذ بیشترین آراء مردمی به عنوان رئیس جمهور کشور ایران شناخته شوند که انتخاب این دو رئیس جمهور توجه ویژه‌ای را نسبت به این استان مبذول داشته و بر توسعه‌یافتگی این استان بیش از پیش تأثیر گذاشته است. بر این اساس چون در انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری آقای روحانی، نامزدی از این استان به شمار می‌آمد، شهروندان استان سمنان با استفاده از جغرافیای حمایت در این استان و حمایت از ایشان در سایر استان‌ها با اکثریت آراء به ایشان رأی دادند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در استان سمنان میزان مشارکت همواره از روند ثابت و رو به رشدی برخوردار بوده است که دلیل آن را می‌توان درجه بالای توسعه یافتگی در این استان دانست؛ و همچنین مشارکت در استان سمنان با میانگین ۷۰ درصد در ۱۲ دوره در مقایسه با کل کشور که ۶۰ درصد است از وضعیت بسیار خوبی برخوردار است. مشارکت در استان‌های مرکزی کشور نسبت به استان مرزی بیشتر و دلیل بالا بودن میزان مشارکت در این استان‌ها سطح بالاتر توسعه یافتگی می‌باشد و استان‌های مرزی کشور به دلیل سطوح توسعه یافتگی کمتر از میزان مشارکت کمتری برخوردار هستند.

جدول ۳: درصد مشارکت انتخابات در استان سمنان در مقایسه با کل کشور (در دوازده دوره انتخابات)

دوره‌ها	مشارکت استان سمنان	مشارکت در انتخابات در کل کشور
دوره اول	۸۰٫۱۲	۶۷٫۵
دوره دوم	۸۳٫۲۶	۶۴
دوره سوم	۷۸٫۳۸	۷۴
دوره چهارم	۶۸٫۵۹	۵۵
دوره پنجم	۶۶٫۶۹	۵۵
دوره ششم	۷۲٫۶۲	۵۱
دوره هفتم	۸۸٫۸۴	۸۰
دوره هشتم	۷۸٫۰۴	۶۷
دوره نهم (مرحله اول)	۷۳٫۴۸	۶۳
دوره نهم (مرحله دوم)	۷۴٫۲۲	۵۹٫۷
دوره دهم	۸۷٫۸۱	۸۴٫۸۳
دوره یازدهم	۷۸	۷۲٫۷
دوره دوازدهم	۸۰٫۴۸	۸۰٫۳

منبع: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۷



شکل ۱۵: الگوی مفهومی فرآیند تأثیرگذاری استان‌ها در انتخابات ریاست جمهوری منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷

منابع

- انصاری، زهرا؛ حسین پور مطلق، مهدی؛ و قربانی سپهر، آرش (۱۳۹۷). دیدگاهی نوین به مشارکت سیاسی در ایران (با تأکید بر نقش فضای سایبر در انتخابات ریاست جمهوری دوره دوازدهم)، تهران: انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- احراری، ابراهیم (۱۳۸۳). نقش رسانه‌ها در کنترل جامعه، فصل‌نامه پژوهش و سنجش، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، تهران، شماره ۳۷.
- احمدی پور، زهرا؛ میرشکاران، یحیی؛ و محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۸). نقش جغرافیای قدرت و حمایت در شکل‌گیری مرزهای جدید تقسیماتی پس از انقلاب اسلامی (سطح شهرستان)، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۲۸-۱.
- ایوبی، حجت الله (۱۳۷۷). تحلیل رفتار انتخاباتی رای دهندگان، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۳۷-۱۳۸، ۱۱۱-۱۰۰.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲). آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی)، انتشارات نگاه معاصر، تهران.
- پاپلی یزدی، محمدحسین؛ و ابراهیمی، محمدامیر (۱۳۹۲). نظریه‌های توسعه روستایی، تهران: انتشارات سمت.
- پناهی، محمد حسین (۱۳۸۰). بررسی تبلیغات انتخاباتی مجلس ششم در حوزه تهران. اطلاعات سیاسی - اقتصادی. سال پانزدهم، شماره یازده و دوازده،
- پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۷۹). بررسی جغرافیایی انتخابات پارلمانی مجلس شورای اسلامی، دانشگاه تهران، تهران.
- پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۲). مشارکت احزاب در توسعه سیاسی و رفتار انتخاباتی در شهرستان اصفهان، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۴، ۲۲-۱۱.
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ و شوشتری، سیدمحمد جواد (۱۳۸۷). مبانی جغرافیایی آراء مردم در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره دوم، صص ۱۳۰-۱۰۹.
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ و احمدی دهکاء، فریبرز (۱۳۸۵). مقایسه تطبیقی رفتارهای انتخاباتی در مناطق مسکونی شهر اصفهان در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، نجف آباد: مجموعه مقالات اولین همایش جغرافیا و قرن ۲۱.
- تابلور، پی جی؛ و جانستون، آر جی (۱۳۸۶). جغرافیای انتخابات، ترجمه: پیشگاهی فرد و اکبری، انتشارات قومس، تهران.
- تیلور، پیتر (۱۳۷۶). جغرافیای انتخابات، ترجمه زهرا پیشگاهی فرد. انتشارات سمت، تهران.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ و کاویانی راد، مراد (۱۳۸۳). افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، انتشارات سمت، تهران.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ و کاویانی راد، مراد (۱۳۹۳). فلسفه جغرافیای سیاسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حسین‌پور مطلق، مهدی؛ انصاری، زهرا؛ و قربانی سپهر، آرش (۱۳۹۷). بررسی و نقش توسعه در میزان مشارکت سیاسی ساکنین استان-های شرقی کشور با تأکید بر شاخص‌های جمعیت، نرخ بیکاری و مشارکت اقتصادی، دهمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک و دومین همایش جغرافیا و برنامه‌ریزی مناطق مرزی ایران، صص ۱۷-۱.
- دارابی، علی (۱۳۸۸). رفتار انتخاباتی ایران (الگوها و نظریه‌ها)، تهران: انتشارات سروش.
- راش، مایکل (۱۳۷۷). جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، انتشارات سمت، تهران.
- رهنما، محمدرحیم (۱۳۸۰). ضرورت بازنگری و اصلاح تقسیمات کشوری؛ گزارش اول؛ طرح جامع تقسیمات کشوری، مرحله دوم، وزارت کشور، تهران: دفتر تقسیمات کشوری.
- شوماخر، ای. اف. (۱۳۶۵). کوچک زیباست، (اقتصاد یا ابعاد انسانی)، ترجمه علی رامین، تهران: انتشارات سروش.
- عبدالله زاده، غلامحسین؛ و شریف‌زاده، ابوالقاسم (۱۳۹۱). سطح‌بندی توسعه منطقه‌ای در ایران (کاربرد رهیافت شاخص ترکیبی)، مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، دوره ۴، شماره ۱۳، ۶۲-۴۱.
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۹). سیاست‌شناسی مبانی علم سیاست، انتشارات سمت، تهران.
- قربانی سپهر، آرش (۱۳۹۷). مقدمه‌ای بر فلسفه علم جغرافیا، تهران: انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران.

قربانی سپهر، آرش (۱۳۹۷). تبیین مفهوم و قلمرو جغرافیای سیاسی فضای شهر، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، به راهنمایی محسن جان پرور، دانشگاه فردوسی مشهد.

کامیابی، سعید؛ و سیدعلی پور، سید خلیل (۱۳۹۳). ارزیابی تصادفات جاده‌ای در شرایط مختلف جوی در جاده‌های اصلی استان سمنان، مطالعات پژوهی راهور، سال سوم، شماره ۸، صص ۱۳۶-۱۱۵.

کاویانی راد، مراد؛ و قره بیگی، مصیب (۱۳۹۶). جغرافیای انتخابات: بنیادها، مفاهیم و رویکردها، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.

کریمی پور، یدالله (۱۳۸۱). مطالعه تقسیمات کشوری ایران، وضع موجود؛ طراحی تحقیقاتی وزارت کشور، تهران: دفتر تقسیمات کشوری. کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران.

کوهن، کارل (۱۳۷۳). دموکراسی، ترجمه فریبرز مجیدی، انتشارات شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران.

گولت، دنیس (۱۳۷۴). توسعه: آفریننده و مخرب ارزش‌ها، ترجمه غلامعلی فرجادی، برنامه و توسعه، ۱۰، ۸۱-۷۲.

متقی، افشین (۱۳۹۵). خاستگاه آراء در نهمین دوره انتخابات مجلس در شهرستان کازرون بر پایه دیدگاه‌های اینگلهارت، پیمانورس و مکتب شیکاگو، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی، سال ۲۰، شماره ۵۷، صص ۲۵۴-۲۳۷.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان سمنان.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۲). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، ویراست دوم، انتشارات سمت، تهران.

مفیدی، فرید (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی انتخابات، مجله پگاه حوزه، شماره ۱۶۰، صص ۲۹-۱۹.

منافی شرف آباد، کاظم؛ و زمانی، الهام (۱۳۹۱). نقش نظام آموزش و پرورش در توسعه فرهنگی جامعه، فصلنامه مهندسی فرهنگی، سال هفتم، شماره ۷۳ و ۷۴، صفحه‌های ۱۵۱-۱۳۴.

وزارت کشور (۱۳۹۶). نتایج آراء اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری تا دوره دوازدهم.

Gru nkemeyer, W. & Moss, M. (1999). Key Concepts in Sustainable Development. Web Book of Regional Science. Regional Research Institute. West Virginia University. Retrieved from <http://www.rr.i.wvu.edu>.

http://amar.ostan-sm.ir/Uploads/amar.ostan- m.ir/CMFiles/1232014_555AM_salnameh-1391-pdf.rar

<http://www.geocurrents.info/cultural-geography/linguistic-geography/discrepancies-in-mapping-persianfarsi-in-iran>.

<http://www.president.ir>

https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D8%B3%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%86.

Kerslake, Jacquie (2005); ("andidates Standing for Election as parent Representative for The 1998 Boards of Trustees Elections", In: <http://www.govt. hz/web/down lodable/d15096-v1/bul990-bo. Pdf>.

Mcgillivray, M. (1991). The Human Development Index: Yet another Redundant Composite Development Indicator? World Development, 19 (10): 1461-1468.

Todaro, M.P.: 1989, Economic Development in the Third World (Longman, New York: 108-113.